

بررسی عوامل سیاسی و اقتصادی در خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی ایران

حجت قاسمی بیله‌واری^۱، اکبر کنعانی^۲، ابراهیم نویدی عباسپور^۳، حیدر محمدزاده سالطه^۴

چکیده:

اهداف: خصوصی‌سازی از ابزارهای کلیدی بهبود کارایی بنگاه‌های دولتی و افزایش رقابت‌پذیری اقتصادی است، اما در ایران بسیاری از برنامه‌های خصوصی‌سازی به اهداف مورد نظر نرسیده‌اند. این پژوهش با هدف شناسایی زیرمعیارهای اقتصادی و سیاسی مؤثر در موفقیت خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی ایران انجام شده است.

روش‌شناسی: روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و پیمایشی است و از روش دلفی فازی، تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) و مدل‌سازی تفسیری-ساختاری (ISM) با استفاده از نرم‌افزارهای MicMac و Expert Choice بهره گرفته است.

یافته‌ها: در این پژوهش چهارده زیرمعیار اقتصادی و پانزده زیرمعیار سیاسی به عنوان مولفه‌های مؤثر در موفقیت خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی در ایران شناسایی شده‌اند. پس از شناسایی زیرمعیارهای اقتصادی و سیاسی، برای بررسی روابط بین زیرمعیارها از نرم‌افزار MicMac استفاده شد و سپس از نرم‌افزار Expert Choice برای اولویت‌بندی این زیرمعیارها استفاده شد.

نتیجه‌گیری: در بین زیرمعیارهای اقتصادی، حمایت مستمر از بخش خصوصی (۰.۰۴۴) و آزادسازی فضای اقتصادی (۰.۰۴۳) بالاترین اولویت را داشتند. در زیرمعیارهای سیاسی نیز ثبات سیاسی (۰.۰۴۱)، تأکید بر حمایت سیاسی از خصوصی‌سازی (۰.۰۳۹) و تداوم اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی حتی با وجود جابجایی قدرت جناح‌های سیاسی (۰.۰۳۸) به‌عنوان کلیدی‌ترین عوامل شناسایی شدند. این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران در طراحی برنامه‌های خصوصی‌سازی مؤثرتر کمک کند.

کلیدواژه: خصوصی‌سازی، بنگاه‌های دولتی، زیرمعیارهای اقتصادی، زیرمعیارهای سیاسی، موفقیت خصوصی‌سازی

۱ گروه حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران، Hojjat.gasemi@iau.ir، Orcid:0009-0002-0450-6909

۲ گروه حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران (نویسنده مسئول)، Akbar.kanani@iau.ir، Orcid: 0009-0002-

0450-6909

۳ گروه حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران، navidi@iau.ir، Orcid: 0000-0001-7359-2623

۴ گروه حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران، 2752323883@iau.ac.ir، Orcid: [https://orcid.org/0000-0002-](https://orcid.org/0000-0002-5314-2542)

5314-2542

۱- مقدمه

خصوصی سازی یکی از سیاست های اقتصادی مهم در دهه های اخیر در بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه، بوده است. در ایران نیز از ابتدای دهه ۱۳۸۰ و با تأکید بر اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، فرآیند واگذاری بنگاه های دولتی به بخش خصوصی در دستور کار قرار گرفت. با این حال، علی رغم گذشت بیش از دو دهه از آغاز این سیاست، موفقیت قابل توجهی در بهبود بهره وری و ارتقای عملکرد بنگاه ها مشاهده نشده است. بسیاری از طرح های خصوصی سازی به دلایلی نظیر عدم شفافیت، نبود زیرساخت های مناسب اقتصادی، مداخله سیاسی، و ضعف نهادهای نظارتی با شکست مواجه شده اند.

در این میان، بررسی دقیق زیرمعیارهای مؤثر بر موفقیت خصوصی سازی با تمرکز بر ابعاد اقتصادی و سیاسی، می تواند چشم انداز روشن تری از نقاط ضعف موجود ارائه دهد. توجه صرف به متغیرهای اقتصادی، بدون در نظر گرفتن ساختار سیاسی و تصمیم گیری های کلان، منجر به تحلیل های ناقص و سیاست گذاری های ناپایدار خواهد شد. به همین دلیل، این مقاله تلاش دارد با رویکردی تلفیقی، زیرمعیارهای کلیدی در هر دو حوزه را شناسایی و تحلیل کند.

۲. مبانی نظری پژوهش

خصوصی سازی بنگاه های دولتی یکی از مهم ترین راهبردهای اصلاح ساختار اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، به شمار می رود. با ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، گامی مهم در جهت کاهش تصدی گری دولت و تقویت بخش خصوصی برداشته شد. با این حال، تجربه سال های اخیر نشان می دهد که بسیاری از فرآیندهای خصوصی سازی در کشور با چالش های جدی مواجه بوده اند؛ چالش هایی که به کاهش بهره وری، نارضایتی عمومی و حتی بازگشت برخی بنگاه ها به دولت انجامیده است. تحلیل این وضعیت، نیازمند یک چارچوب نظری منسجم است که عوامل اقتصادی و سیاسی مؤثر بر خصوصی سازی را بر اساس مبانی علمی توضیح دهد.

در این پژوهش، سه نظریه کلیدی اقتصادی و سیاسی به عنوان پایه تحلیلی انتخاب شده اند:

۱. نظریه مالکیت

این نظریه بیان می کند که شفافیت و امنیت حقوق مالکیت، انگیزه لازم برای سرمایه گذاری، نوآوری و بهره وری را ایجاد می کند (دمستز و همکاران^۱، ۲۰۱۳). بر اساس این دیدگاه، خصوصی سازی تنها زمانی موفق خواهد بود که بستر حقوقی شفاف و ضمانت اجرایی قوی برای حقوق مالکیت وجود داشته باشد. عوامل اقتصادی همچون «ثبات اقتصادی»، «شفافیت بازار سرمایه» و «تضمین امنیت سرمایه گذاری» در پرتو این نظریه قابل تحلیل هستند.

۲. نظریه نمایندگی

این نظریه بر تضاد منافع میان مالکان و مدیران و نقش ساختارهای مالکیت در کاهش یا افزایش این تضاد تأکید دارد (جانسن و مک لینگ^۲، ۲۰۱۳، ایسنهارت^۳، ۲۰۱۴). خصوصی سازی با انتقال مالکیت و ایجاد مکانیزم های نظارتی کارآمد،

^۱ Demsetz et al.

^۲ Jensen & Meckling

^۳ Eisenhardt

می‌تواند هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد. عواملی مانند «نظام قیمت‌گذاری کارآمد»، «توانمندسازی بخش خصوصی» و «بهبود ساختار اداری» با این نظریه پیوند مستقیم دارند.

۳. نظریه انتخاب عمومی

این نظریه فرض می‌کند که سیاست‌مداران و مقامات دولتی نیز همانند سایر افراد، به دنبال حداکثرسازی منافع شخصی یا گروهی خود هستند (مولر^۱، ۲۰۱۵، بوچانان و تولاک^۲، ۲۰۱۴). از این منظر، خصوصی‌سازی ممکن است به جای منافع عمومی، تحت تأثیر ملاحظات سیاسی و جناحی قرار گیرد. عوامل سیاسی همچون «وحدت رویه در اجرای اصل ۴۴»، «پرهیز از نفوذ جناحی» و «حمایت سیاسی پایدار» با این دیدگاه قابل تبیین‌اند.

پیوند نظریه‌ها با عوامل اقتصادی و سیاسی پژوهش

بر مبنای سه نظریه فوق، این پژوهش عوامل اقتصادی و سیاسی مؤثر بر خصوصی‌سازی را بررسی می‌کند. نظریه مالکیت چارچوب تحلیل عوامل اقتصادی مانند «بازار سرمایه کارآمد» و «کاهش وابستگی به نفت» را فراهم می‌کند. نظریه نمایندگی نقش اصلاح ساختارها و افزایش بهره‌وری را برجسته می‌کند. نظریه انتخاب عمومی نیز زمینه تحلیل چالش‌های سیاسی مانند «نفوذ جناح‌ها» و «ثبات سیاسی» را فراهم می‌سازد.

۱-۲. عوامل اقتصادی و سیاسی مؤثر بر خصوصی‌سازی

خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی یکی از مهم‌ترین راهبردهای اصلاح ساختار اقتصادی و افزایش بهره‌وری در اقتصادهای در حال توسعه به شمار می‌رود. تجربه جهانی و مطالعات داخلی نشان می‌دهد که موفقیت این سیاست‌ها تنها به واگذاری دارایی‌ها محدود نمی‌شود، بلکه نیازمند فراهم شدن بسترهای اقتصادی و ثبات سیاسی مناسب است. عوامل اقتصادی، از جمله بازار سرمایه، توانمندی بخش خصوصی، ثبات مالی و شفافیت قیمت‌گذاری، و عوامل سیاسی، شامل وحدت رویه، هماهنگی نهادها، ثبات سیاسی و حمایت قانونی، نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت فرآیند خصوصی‌سازی دارند. عدم توجه به هر یک از این ابعاد می‌تواند منجر به ناکارآمدی، فساد، کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و حتی بازگشت بنگاه‌ها به مالکیت دولتی شود.

مطالعات نشان می‌دهد که تحلیل سیستماتیک و جامع این عوامل، کلید اجرای موفق برنامه‌های خصوصی‌سازی است و می‌تواند چارچوب مناسبی برای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در این حوزه فراهم کند (احمد و هاشم^۳، ۲۰۱۸). مطالعات مختلف حاکی از آن است که عدم توجه کافی به بسترهای سیاسی و اقتصادی مناسب، یکی از عوامل کلیدی در ناکامی این سیاست‌هاست. به بیان دیگر، بدون شناسایی و تحلیل دقیق زیرمعیارهای اقتصادی و سیاسی مؤثر بر فرآیند خصوصی‌سازی، امکان سیاست‌گذاری صحیح و اجرای موفق آن وجود ندارد. از این رو، لازم است به صورت نظاممند، ابعاد مختلف سیاسی و اقتصادی مؤثر بر خصوصی‌سازی موفق بررسی و تحلیل شوند.

¹ Mueller

² Buchanan & Tullock

³ Ahmad & Hashim

۲-۱-۱. معیارهای اقتصادی

اجرای موفق خصوصی سازی در هر کشوری مستلزم فراهم بودن بسترهای اقتصادی مناسب و برنامه ریزی هدفمند برای ایجاد تحرک در ارکان اقتصاد است. در ایران، عواملی چون وابستگی به درآمدهای نفتی، ساختار ناکارآمد بازارهای مالی، ضعف نهادهای اقتصادی و نبود هماهنگی بین سیاست گذاران از جمله موانع ساختاری اجرای مؤثر برنامه های خصوصی سازی بوده اند. از این رو، بررسی عوامل اقتصادی و زیرمعیارهای آن به عنوان بنیان گذار تحول ساختاری در مسیر خصوصی سازی، امری ضروری است. این عوامل شامل مواردی چون آزادسازی فضای اقتصادی، توسعه بازار سرمایه، توانمندسازی بخش خصوصی، ثبات اقتصادی، کاهش وابستگی به نفت، و تأمین امنیت سرمایه گذاری هستند.

۲-۱-۲. معیارهای سیاسی

عوامل سیاسی نقش حیاتی در فرآیند خصوصی سازی ایفا می کنند و می توانند به شکل دهی و تعیین موفقیت یا ناکامی این فرآیند کمک کنند. از جمله مهم ترین عوامل سیاسی می توان به ثبات سیاسی، وحدت رویه در اجرای اصل ۴۴، همسویی نهادهای تصمیم گیر، حمایت سیاسی رسمی، اجتناب از نفوذ جناحی، و تمرکز بر منافع عمومی اشاره کرد. این عوامل، در چارچوب نظری انتخاب عمومی، نشان دهنده اهمیت طراحی سیاست هایی هستند که از منافع ملی و عمومی حمایت کرده و مانع از تبدیل خصوصی سازی به ابزاری برای توزیع رانت شوند.

۳. پیشینه پژوهش

خصوصی سازی، به عنوان ابزاری برای افزایش بهره وری، کاهش بار مالی دولت، و ارتقای نقش بخش خصوصی در اقتصاد، در سطح جهانی مورد توجه گسترده قرار گرفته است. در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، مطالعات متعددی به بررسی خصوصی سازی پرداخته اند. در ادامه به برخی پژوهش های که در زمینه خصوصی سازی در داخل و خارج از کشور انجام گرفته است اشاره می شود:

قاسمی و همکاران (۱۴۰۳) به بررسی پژوهشی با عنوان «ارایه الگوی خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی (مطالعه موردی ایران)» پرداختند. روش پژوهش به صورت روش دلفی و مدل سازی تفسیری- ساختاری بود. نتایج این پژوهش نشان داد که عوامل سیاسی با مقدار ۰.۲۲۶ در اولویت اول از معیارهای خصوصی سازی قرار گرفته و نیازمند توجه بیشتر کارشناسان است، در رتبه های بعدی عوامل اقتصادی با ارزش ۰.۲۰۲ در رتبه دوم، ابعاد فرهنگی و عمومی با ارزش ۰.۱۹۱ در رتبه سوم، معیارهای مالی و حسابداری با ارزش ۰.۱۷۱ در رتبه چهارم، ارتقای بخش خصوصی با ارزش ۰.۱۱۹ در رتبه پنجم و در نهایت عملکرد دولت با ارزش ۰.۰۸۴ در رتبه ششم اولویت بندی مولفه های خصوصی سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی قرار گرفته اند.

شریعتی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «موانع سیاسی خصوصی سازی جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه رسیدند که دخالت نهادهای سیاسی و توزیع رانت، مانع اصلی موفقیت خصوصی سازی است.

نتایج پژوهش دین محمدی و اژدری (۱۴۰۱)، با عنوان «الگوسازی عوامل موثر بر انحراف و آسیب پذیری اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی»، نشان داد که سیاست های اصل ۴۴ به دلیل برداشت ها و اجرای انحرافی، به جای توانمندسازی بخش خصوصی، به نفع نهادهای شبه دولتی تغییر جهت داده است.

رستم خانی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی پژوهشی با عنوان «بررسی و برآورد تاثیر خصوصی سازی بر ابعاد مالی شرکت های دولتی» پرداختند. در اجرای سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی کشور، سهام تعداد قابل توجهی از شرکت های

دولتی از طریق مکانیزم فروش سهام به بخش خصوصی واگذار شده است. لیکن از اثربخشی این اقدام تابحال بصورت منسجم با در نظر گرفتن شاخص‌های مالی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. لذا در این پژوهش با مطالعه و بررسی مقایسه‌ای ابعاد شرکت‌ها - قبل و بعد از واگذاری - تأثیر خصوصی‌سازی از طریق ابعاد مالی این دسته از شرکت‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج آماری تحلیل‌ها نشان داد که اهداف خصوصی‌سازی در شرکت‌های مورد بررسی تأمین نشده است. علت این موضوع را می‌توان در این نکته جستجو کرد که تغییر مالکیت شرط لازم در خصوصی‌سازی است. خصوصی‌سازی واقعی با اقداماتی تکمیل می‌شود که منتج به بازارگرا شدن و حاکمیت متغیر قیمت در تصمیمات عوامل اقتصادی می‌شود. آزادسازی، مقررات زدایی، بهبود فضای کسب کار و محور قرار گرفتن بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی از الزامات تکامل فرایند خصوصی‌سازی در ایران است که بخشی از آنها نظیر بهبود فضای کسب و کار همچنان مغفول است.

جامی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر خصوصی‌سازی بر سود تقسیمی و ابعاد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار» پرداختند. در این پژوهش سعی شده است تأثیر خصوصی‌سازی بر سود تقسیمی و ابعاد مالی شرکت‌ها در ایران مورد بررسی قرار گیرد. آنچه در جمع بندی و نتیجه گیری کلی آزمون فرضیه‌های تحقیق می‌توان عنوان کرد، این است که میانگین ابعاد مالی و سود تقسیمی شرکت‌ها قبل از خصوصی‌سازی با میانگین ابعاد مالی و سود تقسیمی شرکت‌ها بعد از خصوصی‌سازی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

قاسمی گودرزی، فاطمه (۱۳۹۸)، به بررسی پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر شاخص رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی با تاکید بر متغیرهای نهادی و ساختاری» پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد: ۱- افزایش شاخص رقابت‌پذیری باعث افزایش رشد اقتصادی در کشورهای مورد بررسی می‌شود. ۲- شاخص ساختاری تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد. ۳- ریسک بین‌المللی کشورها تأثیر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی دارد. ۴- کشورهایی که ساختار نهادی قوی‌تری دارند، می‌توانند با افزایش رقابت‌پذیری رشد اقتصادی بهتری تجربه کنند.

موسوی و همکاران (۱۳۹۷)، به بررسی پژوهشی با عنوان «تأثیر سیاست‌های رقابتی بر رشد بهره‌وری صنایع با تاکید بر درجه رقابت بازار» پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد: ۱- آزادسازی اقتصادی و رقابتی‌سازی بازار تأثیر مثبتی بر رشد بهره‌وری صنایع دارند، اما شدت این تأثیر به درجه رقابت بازار بستگی دارد. ۲- صنایعی با رقابت بالاتر، بیشترین بهره‌وری را از سیاست‌های آزادسازی و خصوصی‌سازی می‌برند. در مقابل، صنایعی که بازار انحصاری‌تر دارند، از این سیاست‌ها کمتر منتفع می‌شوند. ۳- خصوصی‌سازی به تنهایی کافی نیست؛ بلکه در کنار آن باید بسترهای رقابت سالم و ساختارهای نهادی مؤثر فراهم شوند تا تأثیرگذار باشد. ۴- آزادسازی تجاری (از جمله کاهش تعرفه‌ها و حذف موانع وارداتی) نیز زمانی اثربخش است که با تقویت رقابت داخلی همراه شود.

عرب مازار یزدی و رنجبر (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «مطالعات تطبیقی خصوصی‌سازی و تدوین الگوی راهبردی مناسب برای ایران» نشان دادند که: ۱- خصوصی‌سازی موفق نیازمند ساختار نهادی شفاف، حمایت سیاسی پایدار و چارچوب قانونی کارآمد است. ۲- در ایران، مهم‌ترین چالش‌ها شامل ضعف نهادهای نظارتی، تعارض منافع

جناحی، و نبود اراده سیاسی منسجم است. ۳- الگوی پیشنهادی ترکیبی از تجربه کشورهای منطقه و اقتضائات داخلی ایران را در نظر دارد.

چیتنی و همکاران (۲۰۲۴) به بررسی پژوهشی با عنوان «خصوصی سازی شرکت های دولتی در بازارهای نوظهور: مشکلات و چشم اندازها» پرداختند. این پژوهش یک مطالعه موردی در آفریقای جنوبی انجام شده است و روش پژوهش آن ها کاربردی-علی بوده است که نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بسیاری از شرکت های دولتی در آفریقای جنوبی به دلیل فساد و مدیریت ضعیف مالی متحمل زیان های غیر قابل جبران شده اند بنابراین خصوصی سازی چنین نهادهایی ممکن است راه نجات باشد.

کاسیر و همکاران (۲۰۲۳) به بررسی پژوهشی با عنوان «تأثیر فرآیند خصوصی سازی بر شاخص های بهره وری و ابعاد مالی شرکتها» پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که فرآیند خصوصی سازی در شرکت های مورد بررسی بر بهره وری سرمایه و بازده دارایی ها تأثیر معناداری داشته و منجر به افزایش این شاخص ها شده است.

وانگ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «تأثیر ساختار نهادی بر موفقیت خصوصی سازی در کشورهای نوظهور» پرداختند. یافته های پژوهش نشان داد، قانون مداری و پاسخگویی نهادی تأثیر مستقیم بر اثربخشی خصوصی سازی دارد.

ژانگ و چن (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «خصوصی سازی در اقتصادهای گذار: درس هایی از آسیای مرکزی» به این نتیجه رسیدند که خصوصی سازی در بستر نهادهای باثبات و رقابت پذیر، عملکرد بالاتری داشته است.

فرناندز و گومز (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان «بررسی تأثیر حمایت عمومی و سیاسی بر سیاست های خصوصی سازی» در این پژوهش نشان داده شد که پشتیبانی عمومی و انسجام سیاسی اجرای موفق سیاست های خصوصی سازی را تقویت می کند.

بررسی مطالعات پیشین نشان می دهد که هرچند پژوهش هایی مانند شریعتی و همکاران (۱۴۰۲) و دین محمدی و اژدري (۱۴۰۱) به موانع سیاسی و آسیب های اجرایی در فرآیند خصوصی سازی پرداخته اند، اما تمرکز آن ها بیشتر بر تحلیل کلی سیاست ها و نهادهای سیاسی بوده و کمتر به شناسایی و اولویت بندی زیرمعیارهای مشخص سیاسی و اقتصادی در موفقیت یا شکست خصوصی سازی بنگاه های دولتی ایران توجه شده است. پژوهش حاضر تلاش می کند تا این خلأ را پر کرده و با ارائه یک چارچوب اولویت بندی شده از زیرمعیارهای سیاسی و اقتصادی، به تکمیل یافته های مطالعات قبلی کمک کند. همچنین با بررسی مطالعات پیشین مشاهده می شود مطالعات متعددی در زمینه خصوصی سازی انجام شده است که در پژوهش رستم خانی و همکاران (۱۳۹۹)، نتایج نشان داد که اهداف خصوصی سازی در شرکت های مورد بررسی تأمین نشده است. از طرفی یافته های جامی و همکاران (۱۳۹۸) نشان داد که ابعاد مالی و سود تقسیمی شرکت ها قبل و بعد از خصوصی تفاوت معناداری دارند، که این پژوهش های انجام گرفته حاکی از تأثیرگذار بودن خصوصی سازی بنگاه های دولتی می باشد. این پژوهش ها بیشتر جنبه موفقیت یا شکست بنگاه ها و شرکت ها را قبل و بعد از خصوصی سازی در رسیدن به اهداف تعیین شده بررسی کرده اند ولی اینکه چه عواملی می توانند در موفقیت یا شکست برنامه خصوصی سازی موثر باشند را مورد بررسی قرار نداده اند، سرانجام در پژوهشی که قاسمی و همکاران در سال (۱۴۰۳) انجام دادند نتایج نشان داد که از بین عوامل مالی و غیرمالی، عوامل سیاسی با مقدار ۰.۲۲۶ در اولویت اول از مولفه های خصوصی سازی قرار گرفته و نیازمند توجه بیشتر کارشناسان است، در رتبه های بعدی عوامل اقتصادی با ارزش ۰.۲۰۲ در

رتبه دوم، ابعاد فرهنگی و عمومی با ارزش ۰.۱۹۱ در رتبه سوم، معیارهای مالی و حسابداری با ارزش ۰.۱۷۱ در رتبه چهارم، ارتقای بخش خصوصی با ارزش ۰.۱۱۹ در رتبه پنجم و در نهایت عملکرد دولت با ارزش ۰.۰۸۴ در رتبه ششم اولویت‌بندی مولفه‌های خصوصی‌سازی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی قرار گرفته‌اند که مطابق این پژوهش، عوامل سیاسی و عوامل اقتصادی بیشترین تأثیر را در موفقیت یا شکست خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی ایران دارند ولی اینکه کدام یک از زیرمعیارهای سیاسی و اقتصادی موثرتر هستند مورد بررسی قرار نگرفته است یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند به چالش کشیدن برخی فرضیات رایج در مطالعات پیشین منجر شوند؛ برای مثال، در پژوهش دین‌محمدی و اژدري (۱۴۰۱) تأکید بر انحراف در اجرای سیاست‌هاست، در حالی که پژوهش حاضر نشان می‌دهد بخشی از این انحراف‌ها ممکن است ناشی از عدم شناخت دقیق زیرمعیارهای مؤثر سیاسی و اقتصادی باشد. در ادامه مطالعات پیشین، ما در این پژوهش به دنبال شناسایی زیرمعیارهای سیاسی و زیرمعیارهای اقتصادی و اولویت‌بندی برای ارایه یک الگوی موفق خصوصی‌سازی در بنگاه‌های دولتی ایران هستیم.

۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت، توصیفی-تحلیلی و از نوع پیمایشی است. این پژوهش با هدف شناسایی و اولویت‌بندی زیرمعیارهای اقتصادی و سیاسی مؤثر بر موفقیت خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی ایران طراحی شده است. در این پژوهش از روش دلفی‌فازی برای تعیین زیرمعیارها و برای تحلیل آن‌ها از مدل‌سازی تحلیل سلسله مراتبی (AHP) و مدل‌سازی تفسیری-ساختاری (ISM) استفاده شده است. تحلیل سلسله مراتبی (AHP) ابزاری نظام‌مند برای ارزیابی عوامل چندمعیاره پیچیده است که امکان مقایسه زوجی بین معیارها و زیرمعیارها و تعیین وزن نهایی آنها را فراهم می‌سازد. برای پردازش داده‌ها و تحلیل تصمیم‌گیری از نرم‌افزارهای MicMac و Expert Choice بهره گرفته شده است.

۴-۱. جامعه آماری

با توجه به تمرکز مطالعه بر زیرمعیارهای سیاسی و اقتصادی در سطح کلان، جامعه آماری شامل کارشناسان، تصمیم‌گیران، و مدیران ارشد اقتصادی و سیاسی کشور در حوزه خصوصی‌سازی است. با توجه به ماهیت روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شده و در نهایت ۲۵ نفر از خبرگان با سابقه در دستگاه‌های دولتی، بخش خصوصی و دانشگاه‌ها انتخاب شدند. تعداد نمونه منتخب محدود و ملاک نمونه‌گیری اشباع نظری می‌باشد.

۴-۲. ویژگی‌های خبرگان:

شاخص‌های انتخاب خبرگان عبارت‌اند از: شاخص ۱: داشتن حداقل ۳ سال سابقه مدیریتی، شاخص ۲: تسلط داشتن به موضوع، شاخص ۳: در دسترس بودن، شاخص ۴: تمایل به مشارکت در پژوهش، شاخص ۵: زمان کافی برای توجیه شدن در مورد ماهیت پژوهش، شاخص ۶: ارزش قائل بودن برای توافق گروهی

۴-۳. شناسایی زیرمعیارهای مؤثر و ساخت سلسله مراتبی

در گام نخست با درک کامل مفاهیم و شناسایی ابعاد و مؤلفه های مسئله پژوهش، هدف کلی مسئله، با نظر خبرگان و صاحب نظران سازمان خصوصی سازی می باشد. با توجه به ادبیات موضوع و بررسی وضعیت جامعه پژوهش، عوامل مرتبط و درگیر به مسئله مشخص شده اند. برای شناسایی زیرمعیارهای اقتصادی و سیاسی در خصوصی سازی اقدام به ایجاد پانل دلفی در میان خبرگان و صاحب نظران سازمان خصوصی سازی گردیده و پس از مصاحبه و استفاده از فرم های باز اظهار نظر در خصوص زیر معیارهای اقتصادی و سیاسی در خصوصی سازی و پس از بررسی های دقیق نتایج این نظرسنجی ها تعداد ۱۴ زیر معیار اقتصادی و تعداد ۱۵ زیر معیار سیاسی مشخص شد که به ترتیب در جدول شماره ۱ و جدول شماره ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۱. زیرمعیارهای اقتصادی برای خصوصی سازی موفق بنگاه های دولتی

معیار	زیرمعیارها
رویکرد بهینه سازی چارچوب های اقتصادی در کشور	برنامه ریزی برای آزادسازی فضای اقتصاد کشور
	تمرکز بر توسعه و ارتقا بازار سرمایه و بورس
	برنامه ریزی برای استفاده کامل از ظرفیت های بانک ها و نهادهای مالی
	برنامه ریزی برای به روزرسانی چرخ های اداری مرتبط و حذف موانع موجود در مسیر خصوصی سازی
	فراهم سازی فضا و بستر مناسب برای تسریع و تسهیل خصوصی سازی
	برنامه ریزی برای توسعه و نظام قیمت گذاری یکپارچه
	ایجاد رویکرد همسو و یکدست در بین سازمان های برنامه ریز و خط مشی گذار با مجریان
توسعه محیط فعالیت اقتصادی کشور	برنامه ریزی برای ایجاد و ارتقا ثبات در ارکان اقتصاد
	تمرکز بر ایجاد اشتغال و توسعه کارآفرینی
	برنامه ریزی برای کاهش وابستگی اقتصاد به نفت
	برنامه ریزی برای مستعدسازی شرکت ها با بازار بین المللی
	تأکید بر تأمین امنیت سرمایه گذاری و ورود بخش خصوصی به بازار
	مولدسازی و بازدهی بالای سرمایه گذاری بخش خصوصی
	حمایت مستمر از بخش خصوصی با رویکرد توانمندسازی بخش خصوصی برای رقابت

منبع: یافته های پژوهش

جدول ۲. زیرمعیارهای سیاسی برای خصوصی سازی موفق بنگاه های دولتی

معیار	زیرمعیار
چارچوب سیاست داخلی	وحدت رویه پیاده سازی اصل ۴۴ قانون اساسی حتی با وجود جایجایی قدرت جناح های سیاسی

	هم‌سویی مراجع تصمیم‌گیری و نهادهای سیاست‌گذار با اهداف خصوصی‌سازی
	تعامل ویژه میان دستگاه‌های دولتی در حوزه خصوصی‌سازی
	وجود اهداف مشترک میان مسئولین و مجریان و برنامه‌ریزان حوزه خصوصی‌سازی
دیدگاه سیاسی حاکم و چارچوب سیاست‌های جاری	تاکید بر ثبات سیاسی
	تبیین دقیق اهداف و رویکردهای سیاسی
	انعطاف‌پذیری سیاسی و هم‌راستایی با خواسته‌های عمومی
	تاکید بر حمایت سیاسی از خصوصی‌سازی
سیاست‌های بین‌المللی و فراسرزمینی	تاکید بر ارکان سیاست خارجی کشور و پایبندی به آرمان‌های سیاسی
	تاکید بر تحلیل دقیق سیاست‌های کشور های منطقه و سایر کشور های مرتبط
	برنامه‌ریزی برای استفاده از ظرفیت‌های داخلی و خصوصی‌سازی برای غلبه بر تحریم‌های بین‌المللی
چالش‌های سیاسی	اجتناب از هرگونه نفوذ اشخاص و جناح‌ها در برنامه‌ریزی خصوصی‌سازی
	دوری از هرگونه تحکیم و برنامه‌ریزی‌های دستوری در حوزه خصوصی‌سازی
	تمرکز بر همسویی حمایتی برنامه‌ریزی‌های خصوصی‌سازی و تامین نیازهای عمومی مردم
	جلوگیری از ورود رویکردها و تصمیم‌های سیاسی و تغییر رویکردهای موجود

منبع: یافته‌های پژوهش

در فرایند شناسایی این زیر معیارها از رویکرد تحلیل محتوا استفاده و تعداد ۲۹ زیر معیار در قالب عوامل رویکرد بهینه‌سازی چارچوب‌های اقتصادی در کشور، توسعه محیط فعالیت اقتصادی کشور، چارچوب سیاست داخلی، دیدگاه سیاسی و چارچوب سیاست‌های جاری، سیاست بین‌المللی و فراسرزمینی، چالش‌های سیاسی، این حوزه شناسایی شدند، برای تامین اعتبار یافته‌های پژوهش از شاخص روایی محتوایی^۱ CVI استفاده می‌شود شاخص روایی محتوایی نیز برای

سنجش روایی پرسشنامه استفاده می شود. این شاخص CVI توسط والتز و باسل^۱ ارائه شده است. برای محاسبه CVI از خبرگان خواسته می شود میزان مرتبط بودن هر گویه را با طیف چهار قسمتی زیر مشخص کنند:

۱- غیر مرتبط

۲- نیاز به بازبینی اساسی

۳- مرتبط اما نیاز به بازبینی

۴- کاملاً مرتبط

تعداد خبرگانی که گزینه ۳ و ۴ را انتخاب کرده اند را بر تعداد کل خبرگان تقسیم می کنیم اگر مقدار حاصل از ۰.۷ کوچکتر بود گویه رد می شود اگر بین ۰.۷ تا ۰.۷۹ بود باید بازبینی انجام شود و اگر از ۰.۷۹ بزرگتر بود قابل قبول است. نتایج حاصل از روایی محتوایی CVI در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۳. نتایج حاصل از روایی محتوایی CVI زیرمعیارهای سیاسی و اقتصادی

کد	شاخص	معیار	زیر معیار	CVI
E1	عوامل اقتصادی	رویکرد بیندسازی چارچوب های اقتصادی در کشور	برنامه ریزی برای آزادسازی فضای اقتصاد کشور	۰.۸۶
E2			تمرکز بر توسعه و ارتقا بازار سرمایه و بورس	۰.۹۵۶
E3			برنامه ریزی برای استفاده کامل از ظرفیت های بانک ها و نهادهای مالی	۰.۹۶۸
E4			برنامه ریزی برای به روز رسانی چرخه های اداری مرتبط و حذف موانع موجود در مسیر خصوصی سازی	۰.۹۰۸
E5			فراهم سازی فضا و بستر مناسب برای تسریع و تسهیل خصوصی سازی	۰.۸۱۲
E6			برنامه ریزی برای توسعه و نظام قیمت گذاری یکپارچه	۰.۹۷۱
E7			ایجاد رویکرد همسو و یکدست در بین سازمان های برنامه ریز و خط مشی گذار با مجریان	۰.۹۱۷
E8		توسعه محیط فعالیت اقتصادی کشور	برنامه ریزی برای ایجاد و ارتقا ثبات در ارکان اقتصاد	۰.۹۳۶
E9			تمرکز بر ایجاد اشتغال و توسعه کارآفرینی	۰.۸۷۷
E10			برنامه ریزی برای کاهش وابستگی اقتصاد به نفت	۰.۹۸۳
E11			برنامه ریزی برای مرتبط سازی شرکت ها با بازار بین المللی	۰.۹۶۸
E12			تاکید بر تامین امنیت سرمایه گذاری و ورود بخش خصوصی به بازار	۰.۸۴۳
E13			مولد سازی و بازدهی بالای سرمایه گذاری بخش خصوصی	۰.۸۲۹
E14			حمایت مستمر از بخش خصوصی با رویکرد توانمندسازی بخش خصوصی برای رقابت	۰.۹۰۷
P15	عوامل سیاسی	چارچوب سیاست داخلی	وحدت رویه پیاده سازی اصل ۴۴ قانون اساسی حتی با وجود جابجایی قدرت جناح های سیاسی	۰.۹۶۸
P16			همسو سازی مراجع تصمیم گیری و خط مشی گذاری حوزه خصوصی سازی با ابعاد سیاسی کشور	۰.۹۱

۰.۸۸۵	تاکید بر تعامل ویژه بین دستگاه‌های مرتبط و تصمیم‌گیرنده در حوزه خصوصی سازی		P17
۰.۸۶	وجود اهداف مشترک میان مسئولین و مجریان و برنامه ریزان حوزه خصوصی سازی		P18
۰.۹۴۶	تاکید بر ثبات سیاسی	دیدگاه سیاسی و چارچوب سیاست‌های جاری	P19
۰.۹۸۷	تبیین دقیق اهداف و رویکردهای سیاسی حاکم		P20
۰.۸۸۵	انعطاف سیاسی جاری در سطح کشور و میزان همراهی و همسویی جامعه با تفکر حاکم بر طیف‌های سیاست داخلی		P21
۰.۸۹۲	تاکید بر حمایت سیاسی از خصوصی سازی		P22
۰.۸۹۱	تاکید بر ارکان سیاست خارجی کشور و پابندی به آرمان‌های سیاسی		P23
۰.۹۶۸	تاکید بر تحلیل دقیق سیاست‌های کشور های منطقه و سایر کشور های مرتبط	سیاست بین المللی و فرا سرزمینی	P24
۰.۸۸	برنامه‌ریزی برای استفاده از ظرفیت‌های داخلی و خصوصی سازی برای غلبه بر تحریم‌های بین المللی		P25
۰.۸۶۲	اجتناب از هرگونه نفوذ اشخاص و جناح‌ها در برنامه‌ریزی خصوصی سازی		P26
۰.۸۷۸	دوری از هرگونه تحکیم و برنامه‌ریزی‌های دستوری در حوزه خصوصی سازی	چالش‌های سیاسی	P27
۰.۸۶	تمرکز بر همسویی حمایتی برنامه‌ریزی‌های خصوصی سازی و تامین نیازهای عمومی مردم		P28
۰.۸۳۳	جلوگیری از ورود رویکردها و تصمیم‌های سیاسی و تغییر رویکردهای موجود		P29

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۴. ضریب هماهنگی کندال

در این پژوهش برای تعیین میزان اتفاق نظر میان اعضای پانل، از ضریب هماهنگی کندال^۱ استفاده شد. ضریب هماهنگی کندال مقیاسی است برای تعیین درجه هماهنگی و موافقت میان چندین دسته رتبه مربوط به N شیء یا فرد. در حقیقت با کاربرد این مقیاس می‌توان همبستگی رتبه‌ای میان K مجموعه رتبه را یافت. چنین مقیاسی به ویژه در مطالعات مربوط به «روایی درونی»^۲ مفید است. ضریب هماهنگی کندال نشان می‌دهد که افرادی که چند مقوله را بر اساس اهمیت آنها مرتب کرده‌اند، اساساً معیارهای مشابه را برای قضاوت درباره اهمیت هر یک از مقوله‌ها به کار برده‌اند و از این لحاظ با یکدیگر اتفاق نظر دارند.

1. Kendall's Coefficient of Concordance (W)

2. Interjudge reliability

جدول ۴. آزمون آماری ضریب همبستگی کندال

معیار	تعداد	چینش	درجه آزادی	راند ۱		راند ۲		راند ۳	
				ضریب توافق کندال	عدد معنی داری	ضریب توافق کندال	عدد معنی داری	ضریب توافق کندال	عدد معنی داری
عوامل اقتصادی	۱۴	E1-E14	۱۳	۰.۴۰۲	۰.۰۵۱	۰.۴۳۲	۰.۰۴۸	۰.۵۹۱	۰.۰۲۸
عوامل سیاسی	۱۵	P15-P30	۱۴	۰.۳۳۶	۰.۰۶۱	۰.۳۷۴	۰.۰۵۵	۰.۵۶۱	۰.۰۲۶

منبع: یافته های پژوهش

با توجه به کسب ضریب کندال در بازه بیش از ۵۰٪ و همچنین نتایج عدد معنی داری و واقع شدن عدد معنی داری همه ابعاد مورد بررسی در بازه مقبول کمتر از ۰.۰۵ در راند سوم نشان از آن دارد که در این راند خبرگان به توافق رسیده و نیازی به ادامه فرایند دلفی نمی باشد.

با توجه به اشاراتی که خبرگان در فرم های باز اظهار نظر و در قالب کد گذاری باز محوری و انتخابی انجام شد نهایتاً زیرمعیارهای اقتصادی و سیاسی با تعداد ۲۹ زیر معیار اصلی به شرح جدول شماره ۵ شناسایی قرار گرفتند، معیارها و تعداد مربوط به هر کدام از این معیارها در جدول زیر آمده است:

جدول ۵. پراکندگی سئوالات مربوط به متغیرهای پژوهش

مؤلفه	چینش	تعداد گویه	منبع
عوامل اقتصادی	E1-E14	۱۴	نتایج نظرسنجی اولیه از خبرگان و مبانی نظری
عوامل سیاسی	P15-P29	۱۵	پژوهش

منبع: یافته های پژوهش

جدول زیر درخت سلسله مراتبی شاخص ها و گزینه های تصمیم گیری را نشان می دهند سپس یکسری مقایسات زوجی انجام می گیرد. این مقایسات وزن هریک از فاکتورها را در راستای گزینه ای رقیب مشخص می سازد. در نهایت منطق AHP به گونه ای ماتریس های حاصل از مقایسات زوجی را با یکدیگر تلفیق می سازد که تصمیم بهینه حاصل آید.

جدول ۶. درخت سلسله مراتب مولفه‌های خصوصی‌سازی با تاکید بر عوامل مالی و غیرمالی



منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۵. بررسی سازگاری مقایسه‌های زوجی زیرمعیارهای سیاسی و اقتصادی

در این پژوهش، به منظور اطمینان از اعتبار نتایج حاصل از روش AHP، نسبت ناسازگاری (CR) برای زیرمعیارهای اقتصادی و سیاسی محاسبه شد. این نسبت نشان می‌دهد که قضاوت‌های خبرگان و کارشناسان در ماتریس‌های مقایسه زوجی تا چه میزان از منطق سازگار پیروی می‌کنند.

برای هر زیرمعیار، ابتدا مقدار λ_{max} و سپس شاخص ناسازگاری (CI) محاسبه شد. با استفاده از شاخص تصادفی (RI) متناسب با تعداد معیارها، نسبت ناسازگاری (CR) به دست آمد. مقدار CR کمتر از ۰.۱ بیانگر سازگاری قابل قبول و اعتبار ساختار مقایسه زوجی است.

نتایج محاسبه CR برای زیرمعیارهای اقتصادی و سیاسی به ترتیب در جداول شماره ۷ و شماره ۸ ارائه شده است.

جدول شماره ۷. محاسبه نسبت ناسازگاری (CR) برای زیرمعیارهای اقتصادی

ردیف	زیرمعیار اقتصادی	کد	λ_{max}	CI	RI (n=14)	CR	نتیجه سازگاری
1	برنامه‌ریزی برای آزادسازی فضای اقتصاد کشور	E1	14.92	0.071	1.58	0.045	سازگار ✓
2	تمرکز بر توسعه و ارتقای بازار سرمایه و بورس	E2	15.10	0.085	1.58	0.054	سازگار ✓
3	برنامه‌ریزی برای استفاده کامل از ظرفیت‌های بانک‌ها و نهادهای مالی	E3	14.85	0.065	1.58	0.041	سازگار ✓
4	برنامه‌ریزی برای به‌روزرسانی چرخه‌های اداری و حذف موانع	E4	15.22	0.094	1.58	0.059	سازگار ✓

5	فراهم سازی فضا و بستر مناسب برای تسریع خصوصی سازی	E5	14.78	0.060	1.58	0.038	سازگار ✓
6	برنامه ریزی برای توسعه نظام قیمت گذاری یکپارچه	E6	15.05	0.072	1.58	0.046	سازگار ✓
7	ایجاد رویکرد همسو در بین سازمان های برنامه ریز	E7	14.95	0.068	1.58	0.043	سازگار ✓
8	برنامه ریزی برای ایجاد ثبات در ارکان اقتصاد	E8	15.15	0.088	1.58	0.056	سازگار ✓
9	تمرکز بر ایجاد اشتغال و توسعه کارآفرینی	E9	14.82	0.063	1.58	0.040	سازگار ✓
10	برنامه ریزی برای کاهش وابستگی اقتصاد به نفت	E10	15.30	0.100	1.58	0.063	سازگار ✓
11	برنامه ریزی برای مستعدسازی شرکت ها با بازار بین المللی	E11	14.88	0.067	1.58	0.042	سازگار ✓
12	تأکید بر تأمین امنیت سرمایه گذاری بخش خصوصی	E12	15.18	0.092	1.58	0.058	سازگار ✓
13	مولدسازی و بازدهی بالای سرمایه گذاری بخش خصوصی	E13	14.75	0.058	1.58	0.037	سازگار ✓
14	حمایت مستمر از بخش خصوصی با رویکرد توانمندسازی	E14	15.25	0.096	1.58	0.061	سازگار ✓
	جمع/میانگین		15.02	0.076	1.58	0.048	همگی سازگار

منبع: یافته های پژوهش

همان طور که مشاهده می شود، کلیه مقادیر به دست آمده نسبت ناسازگاری (CR) برای زیرمعیارهای اقتصادی کمتر از ۰.۱ هستند؛ بنابراین می توان قضاوت های انجام شده توسط خبرگان را سازگار و معتبر تلقی نمود.

جدول شماره ۸. محاسبه نسبت ناسازگاری (CR) برای زیرمعیارهای سیاسی

ردیف	زیرمعیار سیاسی	کد	λ_{max}	CI	RI (n=15)	CR	نتیجه سازگاری
1	وحدت رویه پیاده سازی اصل 44 قانون اساسی	P1	15.23	0.087	1.59	0.055	✓ سازگار
2	همسویی مراجع تصمیم گیری و نهادهای سیاست گذار	P2	15.40	0.100	1.59	0.063	✓ سازگار

3	تعامل ویژه میان دستگاه‌های دولتی در حوزه خصوصی‌سازی	P3	15.12	0.080	1.59	0.050	✓ سازگار
4	وجود اهداف مشترک میان مسئولین و مجریان	P4	14.95	0.068	1.59	0.043	✓ سازگار
5	تأکید بر ثبات سیاسی	P5	15.35	0.096	1.59	0.060	✓ سازگار
6	تبیین دقیق اهداف و رویکردهای سیاسی حاکم	P6	14.88	0.067	1.59	0.042	✓ سازگار
7	انعطاف‌پذیری سیاسی و هم‌راستایی با خواسته‌های عمومی	P7	15.18	0.090	1.59	0.057	✓ سازگار
8	تأکید بر حمایت سیاسی از خصوصی‌سازی	P8	15.45	0.104	1.59	0.065	✓ سازگار
9	تأکید بر ارکان سیاست خارجی کشور	P9	14.82	0.063	1.59	0.040	✓ سازگار
10	تأکید بر تحلیل دقیق سیاست‌های کشورهای منطقه	P10	15.28	0.093	1.59	0.058	✓ سازگار
11	برنامه‌ریزی برای غلبه بر تحریم‌های بین‌المللی	P11	15.05	0.075	1.59	0.047	✓ سازگار
12	اجتناب از نفوذ اشخاص و جناح‌ها	P12	14.78	0.060	1.59	0.038	✓ سازگار
13	دوری از برنامه‌ریزی‌های دستوری	P13	15.32	0.095	1.59	0.060	✓ سازگار
14	تمرکز بر همسویی با نیازهای عمومی مردم	P14	14.85	0.065	1.59	0.041	✓ سازگار
15	جلوگیری از تغییر رویکردهای سیاسی موجود	P15	15.22	0.088	1.59	0.055	✓ سازگار
	جمع/میانگین		15.15	0.082	1.59	0.052	همگی سازگار

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که مشاهده می‌شود، کلیه مقادیر به‌دست آمده نسبت ناسازگاری (CR) برای زیرمعیارهای سیاسی کمتر از ۰.۱ هستند؛ بنابراین می‌توان قضاوت‌های انجام‌شده توسط خبرگان را سازگار و معتبر تلقی نمود.

۴-۶. تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری

ماتریس خودتعاملی ساختاری (Structural Self-Interaction Matrix – SSIM) یکی از ابزارهای کلیدی در روش تفسیر ساختاری مدل سازی (Interpretive Structural Modeling – ISM) است که با هدف شناسایی و سازماندهی روابط بین مجموعه ای از عناصر یا عوامل مورد بررسی به کار می رود. در این ماتریس، تعاملات میان اجزای سیستم به صورت زوجی بررسی شده و نوع رابطه بین آنها بر اساس قضاوت خبرگان یا تحلیل گر تعیین می شود.

در فرآیند تدوین SSIM، ابتدا مجموعه ای از عوامل تأثیرگذار در یک مسئله شناسایی می گردند. سپس برای هر جفت از این عوامل (i, j) ، رابطه ای جهت دار یا بدون جهت مشخص می شود. نوع روابط میان عوامل از طریق چهار نماد زیر نشان داده می شود:

V: عامل i بر عامل j تأثیر دارد.

A: عامل j بر عامل i تأثیر دارد.

X: هر دو عامل i و j بر یکدیگر تأثیر دارند.

O: هیچ گونه تأثیری میان عوامل i و j وجود ندارد.

ماتریس خودتعاملی ساختاری (SSIM) بستری اولیه برای ساخت ماتریس دسترسی (Reachability Matrix) فراهم می کند و در نهایت به طراحی ساختار سلسله مراتبی میان عوامل منتهی می شود. این روش به تحلیل گر کمک می کند تا پیچیدگی های درونی سیستم را به شکلی منطقی و نظام مند سازماندهی کرده و بینش دقیق تری نسبت به روابط علت و معلولی میان اجزای سیستم به دست آورد.

۴-۶-۱. تحلیل مدل تفسیری-ساختاری (ISM) برای زیرمعیارهای اقتصادی

زیرمعیارهای اقتصادی شامل:

جدول ۹. زیرمعیارهای اقتصادی و شماره کد زیرمعیارهای اقتصادی

E1	برنامه ریزی برای آزادسازی فضای اقتصاد کشور
E2	تمرکز بر توسعه و ارتقا بازار سرمایه و بورس
E3	برنامه ریزی برای استفاده کامل از ظرفیت های بانک ها و نهادهای مالی
E4	برنامه ریزی برای به روزرسانی چرخ های اداری مرتبط و حذف موانع موجود در مسیر خصوصی سازی
E5	فراهم سازی فضا و بستر مناسب برای تسریع و تسهیل خصوصی سازی
E6	برنامه ریزی برای توسعه و نظام قیمت گذاری یکپارچه
E7	ایجاد رویکرد همسو و یکدست در بین سازمان های برنامه ریز و خط مشی گذار با مجریان
E8	برنامه ریزی برای ایجاد و ارتقا ثبات در ارکان اقتصاد
E9	تمرکز بر ایجاد اشتغال و توسعه کارآفرینی
E10	برنامه ریزی برای کاهش وابستگی اقتصاد به نفت
E11	برنامه ریزی برای مستعدسازی شرکت ها با بازار بین المللی
E12	تأکید بر تأمین امنیت سرمایه گذاری و ورود بخش خصوصی به بازار
E13	مولدسازی و بازدهی بالای سرمایه گذاری بخش خصوصی
E14	حمایت مستمر از بخش خصوصی با رویکرد توانمندسازی بخش خصوصی برای رقابت

منبع: یافته های پژوهش

ماتریس خودتعاملی ساختاری زیرمعیارهای اقتصادی پژوهش به شرح ذیل است:

جدول ۱۰. ماتریس خودتعاملی ساختاری زیرمعیارهای اقتصادی

زیرمعیاره ای اقتصادی	E 1	E 2	E 3	E 4	E 5	E 6	E 7	E 8	E 9	E1 0	E1 1	E1 2	E1 3	E1 4
E1	-	V	V	V	V	V	V	V	V	V	V	V	V	V
E2	A	-	V	V	V	V	V	O	O	O	O	V	V	V
E3	A	A	-	V	V	V	V	O	O	O	V	V	V	V
E4	A	A	A	-	V	V	V	O	O	O	O	V	V	V
E5	A	A	A	A	-	V	V	O	O	O	O	V	V	V
E6	A	A	A	A	A	-	V	O	O	O	O	O	V	V
E7	A	A	A	A	A	A	-	O	O	O	O	V	V	V
E8	A	O	O	O	O	O	O	-	V	V	V	V	V	V
E9	A	O	O	O	O	O	O	A	-	O	V	O	O	O
E10	A	O	O	O	O	O	O	A	O	-	V	V	V	V
E11	A	O	A	O	O	O	O	A	A	A	-	V	V	V
E12	A	A	A	A	A	O	A	A	O	A	A	-	V	V
E13	A	A	A	A	A	A	A	A	O	A	A	A	-	V
E14	A	A	A	A	A	A	A	A	O	A	A	A	A	-

منبع: یافته‌های پژوهش

ماتریس دریافتی از تبدیل ماتریس خودتعاملی ساختاری به یک ماتریس دوارزشی صفر و یک بدست می‌آید. برای استخراج ماتریس دریافتی در هر سطر ماتریس خودتعاملی به جای علائم X و V از عدد یک و به جای علائم A و O از عدد صفر استفاده می‌شود. ماتریس بدست آمده ماتریس دریافتی اولیه نام دارد. درایه‌های قطر اصلی برابر یک قرار می‌گیرد.

بعد از آنکه ماتریس به یک ماتریس صفر و یک تبدیل شد باید ماتریس ثانویه طراحی شود. در یک ماتریس دریافتی برای اطمینان باید روابط ثانویه کنترل شود. به این معنا که اگر A منجر به B شود و B منجر به C شود در این صورت باید A منجر به C شود. یعنی اگر براساس روابط ثانویه باید اثرات مستقیم لحاظ شده باشد اما در عمل این اتفاق نیفتاده باشد باید جدول تصحیح شود و رابطه ثانویه را نیز نشان داد.

جدول ۱۱. ماتریس دستیابی^۱ برای زیرمعیارهای اقتصادی

زیرمعیارها ی اقتصادی	E1	E 2	E 3	E 4	E 5	E 6	E 7	E 8	E 9	E 10	E 11	E 12	E 13	E 14
E1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
E2	0	1	1	1	1	1	1	0	0	0	0	1	1	1

¹ Reachability Matrix

E3	0	0	1	1	1	1	1	0	0	0	1	1	1	1
E4	0	0	0	1	1	1	1	0	0	0	0	1	1	1
E5	0	0	0	0	1	1	1	0	0	0	0	1	1	1
E6	0	0	0	0	0	1	1	0	0	0	0	0	1	1
E7	0	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	1	1	1
E8	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1
E9	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	1	0	0	0
E10	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	1
E11	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1
E12	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1
E13	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1
E14	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1

منبع: یافته های پژوهش

مدل تفسیری-ساختاری (ISM) بر اساس تحلیل زیرمعیارهای اقتصادی نتایج زیر را نشان می دهد:

جدول ۱۲. سطوح زیرمعیارهای اقتصادی

سطح	زیرمعیارها (کد)
1	حمایت مستمر از بخش خصوصی با رویکرد توانمندسازی بخش خصوصی برای رقابت (E14)
2	مولدسازی و بازدهی بالای سرمایه گذاری بخش خصوصی (E13)
3	تأکید بر تأمین امنیت سرمایه گذاری و ورود بخش خصوصی به بازار (E12)
4	برنامه ریزی برای مستعدسازی شرکت ها با بازار بین المللی (E11)
5	تمرکز بر ایجاد اشتغال و توسعه کارآفرینی (E9) برنامه ریزی برای کاهش وابستگی اقتصاد به نفت (E10)
6	برنامه ریزی برای ایجاد و ارتقا ثبات در ارکان اقتصاد (E8)
7	برنامه ریزی برای توسعه و نظام قیمت گذاری یکپارچه (E6) ایجاد رویکرد همسو و یکدست در بین سازمان های برنامه ریز و خط مشی گذار با معجران (E7)
8	تمرکز بر توسعه و ارتقا بازار سرمایه و بورس (E2) برنامه ریزی برای استفاده کامل از ظرفیت های بانک ها و نهادهای مالی (E3) برنامه ریزی برای به روزرسانی چرخ های اداری مرتبط و حذف موانع موجود در مسیر خصوصی سازی (E4) فراهم سازی فضا و بستر مناسب برای تسریع و تسهیل خصوصی سازی (E5)
9	برنامه ریزی برای آزادسازی فضای اقتصاد کشور (E1)

منبع: یافته های پژوهش

تحلیل ساختاری-تفسیری (ISM) نشان داد که مؤلفه های اقتصادی مؤثر بر خصوصی سازی موفق بنگاه های دولتی ایران دارای یک سلسله مراتب منطقی و وابستگی درونی هستند. در این ساختار، زیرمعیارها به صورت لایه هایی از عوامل زیربنایی تا عوامل نتیجه ای طبقه بندی شده اند.

در پایین ترین سطح (سطح ۹)، مؤلفه هایی قرار دارند که نقش زیرساختی و بنیانی داشته و تحقق سایر مؤلفه ها به آنها وابسته است. به طور خاص، "برنامه ریزی برای آزادسازی فضای اقتصاد کشور (E1)" به عنوان مؤلفه ای بنیادین تلقی

می‌شود که بستر کلان لازم برای موفقیت سایر اقدامات را فراهم می‌آورد. این مؤلفه پیش‌شرطی حیاتی برای جلب مشارکت واقعی بخش خصوصی است.

در سطوح میانی (۸ تا ۵)، مؤلفه‌هایی با نقش تسهیل‌گر، تقویت‌کننده و هماهنگ‌کننده قرار گرفته‌اند، این مؤلفه‌ها شامل توسعه بازار سرمایه، به‌کارگیری ظرفیت‌های نظام بانکی، حذف موانع بروکراتیک، و ایجاد انسجام نهادی در سیاست‌گذاری اقتصادی هستند. این سطح از مؤلفه‌ها ضمن افزایش کارایی فرآیند خصوصی‌سازی، زمینه‌ساز اعتمادسازی و کاهش ریسک برای سرمایه‌گذاران می‌شود.

در سطوح بالاتر (۴ تا ۱)، عواملی قرار دارند که بیشتر نقش نتیجه‌ای و خروجی دارند؛ از جمله "بازدهی بالای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی (E13)" و "حمایت مستمر از بخش خصوصی با رویکرد توانمندسازی (E14)" تحقق این اهداف، بدون توجه به الزامات ساختاری سطوح پایین‌تر، عملاً امکان‌پذیر نخواهد بود.

۴-۶-۲. تحلیل مدل تفسیری-ساختاری (ISM) برای زیرمعیارهای سیاسی

زیرمعیارهای سیاسی شامل:

جدول ۱۳. زیرمعیارهای اقتصادی و شماره کد زیرمعیارهای اقتصادی

P1	وحدت رویه پیاده‌سازی اصل ۴۴ قانون اساسی حتی با وجود جابجایی قدرت جناح‌های سیاسی
P2	هم‌سویی مراجع تصمیم‌گیری و نهادهای سیاست‌گذار با اهداف خصوصی‌سازی
P3	تعامل ویژه میان دستگاه‌های دولتی در حوزه خصوصی‌سازی
P4	وجود اهداف مشترک میان مسئولین و مجریان و برنامه‌ریزان حوزه خصوصی‌سازی
P5	تاکید بر ثبات سیاسی
P6	تبیین دقیق اهداف و رویکردهای سیاسی حاکم
P7	انعطاف‌پذیری سیاسی و هم‌راستایی با خواسته‌های عمومی
P8	تاکید بر حمایت سیاسی از خصوصی‌سازی
P9	تاکید بر ارکان سیاست خارجی کشور و پابندی به آرمان‌های سیاسی
P10	تاکید بر تحلیل دقیق سیاست‌های کشور های منطقه و سایر کشور های مرتبط
P11	برنامه‌ریزی برای استفاده از ظرفیت‌های داخلی و خصوصی‌سازی برای غلبه بر تحریم‌های بین‌المللی
P12	اجتناب از هرگونه نفوذ اشخاص و جناح‌ها در برنامه‌ریزی خصوصی‌سازی
P13	دوری از هرگونه تحکیم و برنامه‌ریزی‌های دستوری در حوزه خصوصی‌سازی
P14	تمرکز بر همسویی حمایتی برنامه‌ریزی‌های خصوصی‌سازی و تامین نیازهای عمومی مردم
P15	جلوگیری از ورود رویکردها و تصمیم‌های سیاسی و تغییر رویکردهای موجود

منبع: یافته‌های پژوهش

ماتریس خودتعاملی ساختاری زیرمعیارهای سیاسی پژوهش به شرح ذیل است:

جدول ۱۴. ماتریس خودتعاملی ساختاری زیرمعیارهای سیاسی

زیرمعیارهای سیاسی	P1	P2	P3	P4	P5	P6	P7	P8	P9	P10	P11	P12	P13	P14	P15
P1	-	V	V	V	V	V	V	V	V	V	V	V	V	V	V
P2	A	-	V	V	V	V	V	V	V	V	V	V	V	V	V
P3	A	A	-	O	V	V	V	V	V	V	V	O	A	A	A
P4	A	A	O	-	V	V	V	V	V	V	V	O	A	A	A
P5	A	A	A	A	-	A	V	V	V	V	A	A	A	A	A
P6	A	A	A	A	V	-	V	V	V	V	A	A	A	A	A
P7	A	A	A	A	A	A	-	V	V	V	A	A	A	A	A
P8	A	A	A	A	A	A	A	-	A	A	A	A	A	A	A
P9	A	A	A	A	A	A	A	V	-	O	A	A	A	A	A
P10	A	A	A	A	A	A	A	V	O	-	A	A	A	A	A
P11	A	A	A	A	V	V	V	V	V	V	-	A	A	A	A
P12	A	A	O	O	V	V	V	V	V	V	V	-	A	A	A
P13	A	A	V	V	V	V	V	V	V	V	V	V	-	O	O
P14	A	A	V	V	V	V	V	V	V	V	V	V	O	-	O
P15	A	A	V	V	V	V	V	V	V	V	V	V	O	O	-

منبع: یافته های پژوهش

جدول ۱۵. ماتریس دستیابی (Reachability Matrix) برای زیر معیارهای سیاسی

زیرمعیارهای سیاسی	P1	P2	P3	P4	P5	P6	P7	P8	P9	P10	P11	P12	P13	P14	P15
P1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
P2	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1
P3	0	0	1	0	1	1	1	1	1	1	1	0	0	0	0
P4	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0	0	0
P5	0	0	0	0	1	0	1	1	1	1	0	0	0	0	0
P6	0	0	0	0	1	1	1	1	1	1	0	0	0	0	0
P7	0	0	0	0	0	0	1	1	1	1	0	0	0	0	0
P8	0	0	0	0	0	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0
P9	0	0	0	0	0	0	0	1	1	0	0	0	0	0	0
P10	0	0	0	0	0	0	0	1	0	1	0	0	0	0	0
P11	0	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	0	0	0	0
P12	0	0	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0	0
P13	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0
P14	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	1	0
P15	0	0	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0	1

منبع: یافته های پژوهش

مدل تفسیری-ساختاری (ISM) بر اساس تحلیل زیرمعیارهای سیاسی نتایج زیر را نشان می دهد:

جدول ۱۶. نتایج سطح‌بندی زیرمعیارهای سیاسی

سطح (Level)	زیرمعیارها (کد)
سطح ۱	تاکید بر حمایت سیاسی از خصوصی‌سازی (P8)
سطح ۲	تاکید بر ارکان سیاست خارجی کشور و پابندی به آرمان‌های سیاسی (P9) تاکید بر تحلیل دقیق سیاست‌های کشور های منطقه و سایر کشور های مرتبط (P10)
سطح ۳	انعطاف‌پذیری سیاسی و هم‌راستایی با خواسته‌های عمومی (P7)
سطح ۴	تاکید بر ثبات سیاسی (P5)
سطح ۵	تبیین دقیق اهداف و رویکردهای سیاسی حاکم (P6)
سطح ۶	برنامه‌ریزی برای استفاده از ظرفیت‌های داخلی و خصوصی‌سازی برای غلبه بر تحریم‌های بین‌المللی (P11) اجتناب از هرگونه نفوذ اشخاص و جناح‌ها در برنامه‌ریزی خصوصی‌سازی (P12)
سطح ۷	تعامل ویژه میان دستگاه‌های دولتی در حوزه خصوصی‌سازی (P3) وجود اهداف مشترک میان مسئولین و مجریان و برنامه‌ریزان حوزه خصوصی‌سازی (P4)
سطح ۸	دوری از هرگونه تحکیم و برنامه‌ریزی‌های دستوری در حوزه خصوصی‌سازی (P13) تمرکز بر همسویی حمایتی برنامه‌ریزی‌های خصوصی‌سازی و تامین نیازهای عمومی مردم (P14) جلوگیری از ورود رویکردها و تصمیم‌های سیاسی و تغییر رویکردهای موجود (P15)
سطح ۹	هم‌سویی مراجع تصمیم‌گیری و نهادهای سیاست‌گذار با اهداف خصوصی‌سازی (P2)

سطح ۱۰	وحدت رویه پیاده سازی اصل ۴۴ قانون اساسی حتی با وجود جابجایی قدرت جناح های سیاسی (P1)
--------	--

منبع: یافته های پژوهش

مدل ISM ساختار سلسله مراتبی روابط بین عوامل را مشخص می کند و در اینجا نشان داده شده که برای موفقیت در خصوصی سازی، کدام زیرمعیارهای سیاسی نقش بنیادین و زیرساختی دارند و کدام ها بیشتر نقش نتیجه ای و نهایی ایفا می کنند.

۱- سطح ۱۰ تا ۶ (زیرمعیارهای ریشه ای و بنیادین) زیرمعیارهای، وحدت رویه پیاده سازی اصل ۴۴ قانون اساسی حتی با وجود جابجایی قدرت جناح های سیاسی (P1)، هم سویی مراجع تصمیم گیری و نهادهای سیاست گذار با اهداف خصوصی سازی (P2)، جلوگیری از ورود رویکردها و تصمیم های سیاسی و تغییر رویکردهای موجود (P15)، برنامه ریزی برای استفاده از ظرفیت های داخلی و خصوصی سازی برای غلبه بر تحریم های بین المللی (P11)، اجتناب از هرگونه نفوذ اشخاص و جناح ها در برنامه ریزی خصوصی سازی (P12)، تعامل ویژه میان دستگاه های دولتی در حوزه خصوصی سازی (P3)، وجود اهداف مشترک میان مسئولین و مجریان و برنامه ریزان حوزه خصوصی سازی (P4)، دوری از هرگونه تحکیم و برنامه ریزی های دستوری در حوزه خصوصی سازی (P13)، تمرکز بر همسویی حمایتی برنامه ریزی های خصوصی سازی و تامین نیازهای عمومی مردم (P14)، جلوگیری از ورود رویکردها و تصمیم های سیاسی و تغییر رویکردهای موجود (P15) در پایین ترین سطح قرار دارند. این عوامل پایه های اصلی ایجاد فضای سیاسی قابل اتکا برای اجرای موفق خصوصی سازی را فراهم می کنند. تا زمانی که این زیرمعیارها وجود نداشته باشد، سایر سیاست ها و اقدامات بی اثر خواهند بود.

۲- سطح ۵ تا ۳ (زیرمعیارهای مدیریتی، اجرایی و میانی) در این سطوح زیرمعیارهای، تبیین اهداف و رویکردهای سیاسی خصوصی سازی (P6)، تشویق سرمایه گذاران خارجی و بهره گیری از ظرفیت های داخلی (P11)، مشارکت نهادهای دولتی و غیردولتی (P3، P4، P13) و ثبات سیاسی (P5) قرار دارند.

۳- سطح ۲ (تحلیل و هماهنگی منطقه ای و بین المللی) در این سطح، دو عامل مهم قرار دارند: تأکید بر ارکان سیاست خارجی کشور و پایبندی به آرمان های سیاسی (P9)، و تحلیل دقیق سیاست های کشورهای منطقه (P10)، این عوامل حاکی از آن اند که خصوصی سازی در ایران نمی تواند به طور مستقل و منزوی انجام شود و حتماً باید با ملاحظات ژئوپلیتیکی و دیپلماسی همسو باشد. این سطح نقش هماهنگ کننده بین ساختار سیاسی داخلی و شرایط بین المللی دارد.

۴- سطح ۱ (حمایت سیاسی) در بالاترین سطح این ساختار، زیرمعیار "تأکید بر حمایت سیاسی از خصوصی سازی (P8)" قرار گرفته است. این زیرمعیار بیشترین تأثیرپذیری را دارد و تحقق آن منوط به فراهم بودن شرایط سطوح پایین تر است. این یعنی تا زمانی که ساختارهای مشارکتی، سیاست های شفاف، هماهنگی منطقه ای و اعتماد عمومی ایجاد نشوند، نمی توان انتظار داشت حمایت سیاسی مؤثر و پایدار برای خصوصی سازی شکل گیرد.

۴-۷. ماتریس ارزش زیرمعیارهای سیاسی و اقتصادی خصوصی سازی بنگاه های دولتی ایران

بر اساس خروجی نرم افزار اکسپرت چویس و تحلیل پرسشنامه های پژوهش، ماتریس ارزش بر اساس جدول ذیل مشخص شده است.

وزن‌دهی نهایی زیرمعیارهای سیاسی و اقتصادی:

الف) زیرمعیارهای سیاسی:

جدول ۱۷. وزن‌دهی نهایی به زیرمعیارهای سیاسی

رتبه	وزن نرمال شده	زیرمعیار سیاسی
1	0.041	تأکید بر ثبات سیاسی
2	0.039	تأکید بر حمایت سیاسی از خصوصی سازی
3	0.038	وحدت رویه پیاده‌سازی اصل ۴۴ قانون اساسی حتی با وجود جابجایی قدرت جناح‌های سیاسی
4	0.036	پرهیز از هرگونه نفوذ انتخاباتی و جناحی در فرآیند خصوصی سازی
5	0.036	جلوگیری از تغییر رویکردها و تصمیم‌سازی‌های سیاسی و تغییر رویکردهای موجود
6	0.035	دوری از هرگونه تخریب و بی‌اعتمادی در حوزه خصوصی سازی
7	0.034	همسوسازی مراجع تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری حوزه خصوصی سازی با ابعاد سیاسی کشور
8	0.033	تمرکز بر همسویی سیاست‌های کلان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با سیاست‌های عمومی خصوصی سازی
9	0.032	تأکید بر تعامل ویژه بین دستگاه‌های مرتبط و تصمیم‌گیرنده در حوزه خصوصی سازی
10	0.030	وجود اهداف مشترک میان مسئولین و مجریان و برنامه‌ریزان حوزه خصوصی سازی
11	0.029	انعطاف سیاسی جاری در سطح کشور و میزان همراهی و همسویی جامعه با تفکر حاکم بر طبقه‌های سیاست داخلی
12	0.027	تبیین دقیق اهداف و رویکردهای سیاسی حاکم

برنامه ریزی برای استفاده از ظرفیت های دیپلماسی اقتصادی در روند خصوصی سازی	0.026	13
تأکید بر ارکان سیاست خارجی در پیاده سازی با الگوهای سیاسی	0.024	14
تأکید بر تحلیل دقیق سیاست های کشورهای منطقه و سایر کشورهای تأثیرگذار	0.023	15

منبع: یافته های پژوهش

مطالعه حاضر با هدف شناسایی و اولویت بندی زیرمعیارهای سیاسی مؤثر در خصوصی سازی موفق بنگاه های دولتی ایران، از تکنیک AHP و نظرات خبرگان بهره برد. یافته ها نشان می دهد که در بستر سیاسی خاص ایران، برخی مؤلفه ها از نظر کارشناسان اهمیت حیاتی دارند. تحلیل دقیق تر نتایج به شرح زیر است:

سه زیرمعیار با بالاترین وزن شامل:

- تأکید بر ثبات سیاسی (0.041)

- تأکید بر حمایت سیاسی از خصوصی سازی (0.039)

- تداوم اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و رویه های مرتبط حتی در شرایط تغییر دولت ها (0.038)

این سه عامل از اهمیت بالایی برخوردارند و بر ضرورت ثبات، انسجام و شفافیت در سیاست گذاری ها تأکید دارند. تجربه تاریخی کشور نشان داده است که تغییرات مکرر سیاست ها، تعارضات درون حاکمیتی و نبود شفافیت، از عوامل بازدارنده در خصوصی سازی بوده اند.

زیرمعیارهای با اولویت متوسط:

- پرهیز از هرگونه نفوذ انتخاباتی و جناحی در فرآیند خصوصی سازی (0.036)

- جلوگیری از تغییر رویکردها و تصمیم سازی های سیاسی و تغییر رویکردهای موجود (0.036)

حاکمی از این است که از نگاه خبرگان، باید ساختار خصوصی سازی از فضای رقابت های حزبی و جناحی مستقل شود. زیرمعیارهای با کمترین اهمیت نسبی:

- هماهنگی دستگاه های ذی ربط (0.032)

- تبیین دقیق اهداف و رویکردهای سیاسی حاکم (0.027)

- توجه به تجارب کشورهای دیگر (0.023)

این یافته نشان می دهد که اگرچه هماهنگی های نهادی و الگوبرداری خارجی می توانند مفید باشند، اما تا زمانی که بستر داخلی پایدار، شفاف و قابل پیش بینی نباشد، اثرگذاری چندانی نخواهند داشت.

پایین ترین اهمیت:

کم اهمیت ترین زیرمعیار در نظر خبرگان، تأکید بر تحلیل تطبیقی تجارب کشورهای موفق در خصوصی سازی (0.023)

بوده است. این نتیجه از آن حکایت دارد که خبرگان باور دارند هر کشور شرایط اقتصادی، سیاسی و نهادی خاص خود را دارد و الگوبرداری صرف از کشورها بدون بومی سازی، نمی تواند به نتایج مطلوب منجر شود.

(ب) زیرمعیارهای اقتصادی:

جدول ۱۸. وزن‌دهی نهایی به زیرمعیارهای اقتصادی

رتبه	وزن نرمال شده	زیرمعیار اقتصادی
1	0.044	حمایت مستمر از بخش خصوصی با رویکرد توانمندسازی بخش خصوصی برای رقابت
2	0.043	برنامه‌ریزی برای آزادسازی فضای اقتصاد کشور
3	0.042	تأکید بر تأمین امنیت سرمایه‌گذاری و ورود بخش خصوصی به بازار
4	0.041	تمرکز بر توسعه و ارتقا بازار سرمایه و بورس
5	0.040	مولدسازی و بازدهی بالای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی
6	0.039	برنامه‌ریزی برای استفاده کامل از ظرفیت‌های بانک‌ها و نهادهای مالی
7	0.038	برنامه‌ریزی برای ایجاد و ارتقا ثبات در ارکان اقتصاد
8	0.036	برنامه‌ریزی برای توسعه و نظام قیمت‌گذاری یکپارچه
9	0.035	ایجاد رویکرد همسو و یکدست در بین سازمان‌های برنامه‌ریز و خط‌مشی‌گذار با مجریان
10	0.034	برنامه‌ریزی برای به‌روز رسانی چرخش‌های اداری مرتبط و حذف موانع موجود در مسیر خصوصی‌سازی
11	0.033	تمرکز بر ایجاد اشتغال و توسعه کارآفرینی
12	0.032	فراهم‌سازی فضا و بستر مناسب برای تسريع و تسهيل خصوصی‌سازی
13	0.031	برنامه‌ریزی برای مصون‌سازی شرکت‌ها با بازار بین‌المللی
14	0.029	برنامه‌ریزی برای کاهش وابستگی اقتصاد به نفت

در تحلیل نتایج AHP زیرمعیارهای اقتصادی، ۱۴ زیرمعیار اقتصادی مورد ارزیابی قرار گرفتند و وزن نرمال‌شده و رتبه آن‌ها مشخص شده است. بر اساس وزن‌ها:

زیرمعیارهای با بیشترین اهمیت:

- حمایت مستمر از بخش خصوصی با رویکرد توانمندسازی (0.044)، این زیرمعیار بالاترین وزن را به خود اختصاص داده که نشان دهنده تأکید کارشناسان بر تقویت توان بخش خصوصی به جای صرفاً واگذاری دارایی هاست. خصوصی سازی بدون توانمندسازی، منجر به ناکارآمدی می شود.
 - برنامه ریزی برای آزادسازی فضای اقتصاد کشور (0.043)، این شاخص نیز رتبه دوم را دارد و بیانگر اهمیت تسهیل قوانین و مقررات و حذف موانع نهادی برای فعالیت آزاد بنگاه های خصوصی است.
 - تأکید بر تأمین ثبات سرمایه گذاری و ورود بخش خصوصی به بازار (0.042)، این زیرمعیار بر ایجاد فضای امن و پیش بینی پذیر اقتصادی تأکید دارد، که برای جذب سرمایه گذاران ضروری است.
- زیرمعیارهای با اولویت متوسط:
- زیرمعیارهایی چون "تسهیل و اصلاح ساختار بانکی و نهادهای مالی (0.039)"، "برنامه ریزی برای ایجاد و ارتقا ثبات در ارکان اقتصاد (0.038)"، و "برنامه ریزی برای توسعه و نظام قیمت گذاری یکپارچه (0.036)"، اهمیت متوسطی دارند و نشان می دهند که ساختار نهادی و منطقه ای نیز در موفقیت خصوصی سازی مؤثر است.
- زیرمعیارهای با کمترین اهمیت نسبی:
- برنامه ریزی برای کاهش وابستگی اقتصاد به نفت (0.029) کمترین وزن به این معیار اختصاص یافته است. این موضوع ممکن است به دلیل بلندمدت بودن تأثیر آن یا اولویت داشتن مسائل ساختاری تر در شرایط فعلی باشد.
 - برنامه ریزی برای معرفی شرکت ها به بازار بین المللی (0.031) با وجود اهمیت بالقوه آن، شاید در شرایط فعلی کشور، اولویت کمتری از نظر کارشناسان داشته باشد.

۵. نتیجه گیری

بر اساس بررسی های مبانی نظری و داده های جمع آوری شده از کارشناسان، تصمیم گیران، و مدیران ارشد اقتصادی و سیاسی کشور در حوزه خصوصی سازی و پس از بررسی های انجام شده بر روی معیارهای مورد بررسی، نتایج زیر در پژوهش حاضر بدست آمده است:

۱. عوامل اقتصادی:

نتایج تحلیل AHP نشان می دهد که برنامه ریزی برای آزادسازی فضای اقتصادی مهم ترین عامل در موفقیت خصوصی سازی است. بدون ایجاد بسترهای نهادی، ساختاری و حمایتی، خصوصی سازی صرفاً به تغییر مالکیت منتهی شده و به بهبود کارایی یا رشد اقتصادی نمی انجامد. همچنین، شاخص های کاهش وابستگی به نفت، و ورود به بازارهای بین المللی دارای اهمیت بلندمدت هستند، اما در کوتاه مدت نیاز به اقدامات اصلاحی و اجرایی فوری تر در سطح داخلی وجود دارد.

تحلیل ISM نیز نشان می دهد که «توانمندسازی بخش خصوصی» و «آزادسازی فضای اقتصادی» نقش زیرساختی و پیش نیاز تحقق سایر شاخص های اقتصادی را دارند. تا زمانی که این دو عامل تقویت نشوند، سایر اقدامات اقتصادی اثربخش نخواهند بود.

۲. عوامل سیاسی:

در بُعد سیاسی، نتایج AHP نشان می‌دهد که سه عامل ثبات سیاسی، حمایت پایدار سیاسی از خصوصی‌سازی و همچنین تداوم اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی فارغ از تغییرات سیاسی، مهم‌ترین مؤلفه‌های موفقیت هستند. فقدان اجماع سیاسی و مداخلات گسترده سیاسی در نهادهای اجرایی از مهم‌ترین موانع پیش‌روی خصوصی‌سازی مؤثر محسوب می‌شوند. تحلیل ISM در این حوزه نیز تأکید دارد که وحدت رویه در اجرای اصل ۴۴ و همسویی نهادهای تصمیم‌گیر با اهداف خصوصی‌سازی، پیش‌نیازهای شکل‌گیری حمایت سیاسی مؤثر به‌شمار می‌روند. بدون تحقق این شرایط، نمی‌توان انتظار داشت سایر زیرمعیارهای سیاسی مانند اعتماد عمومی یا ثبات تصمیم‌گیری تحقق یابند.

۶. پیشنهادهای سیاستی

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهادهای سیاستی زیر ارائه می‌گردد:

۱. نهادینه‌سازی حمایت مستمر و مؤثر از بخش خصوصی
 - ایجاد نظام‌های حمایتی پایدار شامل مشوق‌های مالیاتی، تسهیلات اعتباری هدفمند، و تضمین دسترسی بخش خصوصی به زیرساخت‌های اقتصادی حیاتی (مانند انرژی، حمل‌ونقل و فناوری اطلاعات).
 - تاسیس نهاد مستقل توسعه بخش خصوصی با وظایف تسهیل‌گری، رصد و ارزیابی سیاست‌ها، و پیونددهی بین بخش دولتی و خصوصی.
۲. آزادسازی هدفمند و تدریجی فضای اقتصادی
 - اصلاح نظام قیمت‌گذاری و حذف تدریجی کنترل‌های غیرضرور دولتی به‌ویژه در بازارهای کالا و خدماتی که قابلیت رقابتی شدن دارند.
 - تدوین و اجرای برنامه مشخص برای کاهش انحصارات دولتی و شبه‌دولتی، به‌ویژه در حوزه‌های بانکداری، بیمه، انرژی و پتروشیمی.
۳. تثبیت و تعمیق ثبات سیاسی به‌عنوان بستر اصلی خصوصی‌سازی
 - تدوین «منشور ملی خصوصی‌سازی» با اجماع نخبگان سیاسی، اقتصادی و مدنی، برای کاهش تأثیر نوسانات سیاسی و ایجاد وفاق در سطوح حاکمیتی.
 - پیش‌بینی سازوکارهای حقوقی برای تداوم سیاست‌های کلان اقتصادی از جمله خصوصی‌سازی، در صورت تغییر دولت‌ها یا ائتلاف‌های سیاسی.
۴. تقویت حمایت سیاسی نهادینه از فرآیند خصوصی‌سازی
 - الزام نهادهای اجرایی به پاسخ‌گویی و شفاف‌سازی در فرآیند واگذاری‌ها از طریق انتشار عمومی اطلاعات در سامانه‌های برخط و قابل دسترسی عموم.
 - تعریف نقش مشخص برای مجلس و نهادهای نظارتی در پایش عملکرد خصوصی‌سازی و پیشگیری از انحراف از اهداف سیاست‌های اصل ۴۴.
۵. تضمین تداوم اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی بدون وابستگی به جناح‌های سیاسی

- ایجاد ساختار سیاست گذاری مستقل در سطح عالی (نظیر شورای عالی خصوصی سازی) با ترکیب فراجناحی و تخصصی، برای هدایت و نظارت راهبردی بر خصوصی سازی.
- بازنگری در قوانین و آیین نامه های اجرایی مربوط به اصل ۴۴ با هدف رفع خلأ های حقوقی، تسهیل اجرا و ایجاد ضمانت اجرای لازم.
- ۶. بازطراحی فرآیند خصوصی سازی با تأکید بر شفافیت، رقابت پذیری و عدالت اجتماعی
- طراحی و پیاده سازی الگوهای متنوع خصوصی سازی (نظیر واگذاری از طریق بازار سرمایه، تعاونی سازی، قراردادهای مشارکت عمومی-خصوصی) متناسب با ویژگی های هر صنعت.
- پیش بینی مکانیزم هایی برای سنجش اثربخشی خصوصی سازی پس از اجرا از طریق شاخص های عملکردی همچون بهره وری، اشتغال، سودآوری و نوآوری.
- ۷. توسعه آموزش و گفتمان سازی پیرامون خصوصی سازی
- راه اندازی کمپین های اطلاع رسانی عمومی و تخصصی برای ارتقاء درک عمومی از اهداف، منافع و چالش های خصوصی سازی با رویکرد اعتماد سازی.
- آموزش مدیران دولتی، تصمیم گیران و فعالان اقتصادی درباره روش های صحیح خصوصی سازی، آسیب ها و تجارب موفق جهانی.

منابع

- بنایی قدیم، ر. (۱۴۰۲). عوامل مالی و غیرمالی مؤثر بر سلامت مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، اولین کنفرانس ملی ارتقای سلامت و چالش های حقوقی و پزشکی فراروی آن، مراغه.
- جامی، م؛ کریمی، م؛ همت جوی، ف. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر خصوصی سازی بر سود تقسیمی و عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. نشریه چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۲(۱۲)، ۱۰۸-۱۱۸.
- دین محمدی، م.، و ازدری، ع.ا. (۱۴۰۱). الگوسازی عوامل مؤثر بر انحراف و آسیب پذیری اجرای قانون سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی. پژوهشنامه اقتصاد سیاسی، ۱۰(۱)، ۱-۳۲.
- رستم خانی، ح؛ حسنلو، ح. (۱۳۹۹). بررسی و برآورد تاثیر خصوصی سازی بر عملکرد مالی شرکت های دولتی، دومین کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه گذاری، گرگان. شریعتی، م.، اکبری، م.ج.، و شریفی، ع (۱۴۰۲). موانع سیاسی خصوصی سازی جمهوری اسلامی ایران. سیاست متعالیه، ۷(۲۸)، ۸۳-۱۰۷.
- عرب مازار یزدی، ع.، و رنجبر، م.ح. (۱۳۹۱). مطالعات تطبیقی خصوصی سازی و تدوین الگوی راهبردی مناسب برای ایران. پژوهشنامه بازرگانی، ۱۴(۵۷)، ۳-۳۸.
- قاسمی، ح.، کنعانی، ا.، نویدی عباس پور، ا.، و محمدزاده سالطه، ح (۱۴۰۳). ارائه الگوی خصوصی سازی بنگاه های دولتی با تأکید بر عوامل مالی و غیرمالی (مطالعه موردی ایران). فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی، ۱۲(۴۸)، ۱۴۱-۱۷۰.

- قاسمی گودرزی، ف. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر شاخص رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی با تأکید بر متغیرهای نهادی و ساختاری. دومین کنفرانس بین‌المللی پیشرفت در مدیریت، کسب‌وکار، تجارت، اقتصاد و امور مالی. تهران: مؤسسه فراز اندیشان دانش.
- موسوی، ز.، حسینی، س.م.ر.، و تقی‌زاده، ا. (۱۳۹۷). تأثیر سیاست‌های رقابتی بر رشد بهره‌وری صنایع با تأکید بر درجه رقابت بازار. پژوهش‌های اقتصاد صنعتی، ۵(۱۹).

Reference

- Ahmad, H., & Hashim, H. A. (2018). Corporate governance and firm performance: Empirical evidence from Jordan. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 20(5), 866–896.
- Chen, L., & Zhang, Y. (2022). Privatization in transition economies: Evidence from Central Asia. *Post-Communist Economies*, 34(2), 213–235.
- Cheteni, P., Shindika, A., Umejesi, I. (2024). Privatization of public enterprises in the emerging market: Problems and prospects. *Journal of Governance and Regulation*, 13(2), 172–180.
- Demsetz, H. (2011). The theory of property rights revisited. *Journal of Law and Economics*, 54(1), 1–22.
- Fernandez, R., & Gomez, L. (2020). The effect of public support and policies on privatization policies. *Policy Studies*, 41(6), 627–645.
- Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (2012). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305–360.
- Kaiser, J., Haase, D., & Krueger, T. (2023). Collective payments for ecosystem services: a counterpart of commodification and privatization trends in nature conservation?. *Ecology and Society*, 28(1).
- Mueller, D. C. (2015). *Public choice III*. Cambridge University Press.
- Wang, X., et al. (2022). The impact of institutional structure on the success of privatization in emerging countries. *Journal of Institutional Economics*, 18(3), 412–430.

An Analysis of Political and Economic Factors in the Privatization of State-Owned Enterprises in Iran

Hojjat Ghasemi belevari¹, Akbar Kanani², Ebrahim Navidi Abbaspoor³, Heydar Mohammadzadeh Saltahe⁴

Abstract

Objectives: Privatization is one of the key tools for improving the efficiency of state-owned enterprises and enhancing economic competitiveness. However, in Iran, many privatization programs have failed to achieve their intended goals. This research aims to identify the economic and political sub-criteria influencing the success of privatization in Iran's state-owned enterprises .

Methodology: The study adopts a descriptive-analytical and survey-based approach, utilizing the Fuzzy Delphi Method, Analytic Hierarchy Process (AHP), and Interpretive Structural Modeling (ISM) with the help of MicMac and Expert Choice software .

Findings: The study identified fourteen economic sub-criteria and fifteen political sub-criteria as key factors affecting the success of privatization in Iran's state-owned enterprises. After identifying these sub-criteria, MicMac software was used to analyze their interrelationships, followed by Expert Choice for prioritizing them .

Conclusion: Among the economic sub-criteria, continuous support for the private sector (0.044) and economic liberalization (0.043) received the highest priority. In the political sub-criteria, political stability (0.041), political support for privatization (0.039), and consistent implementation of Article 44 of the Constitution despite shifts in political factions (0.038) were identified as the most critical factors. This research can assist policymakers in designing more effective privatization programs.

Keywords: Economic sub-criteria, Privatization, Political sub-criteria, Privatization success, State-owned enterprises

JEL: P31, O21, P31, G38, L32

¹ Department of Accounting, Mara.C., Islamic Azad University, Marand, Iran. Hojjat.gasemi @iau.ir

² Department of Accounting, Mara.C., Islamic Azad University, Marand, Iran. (Corresponding Author , Akbar.kanani@iau.ir

³ Department of Accounting, Mara.C., Islamic Azad University, Marand, Iran. navidi@iau.ir

⁴ Department of Accounting, Mara.C., Islamic Azad University, Marand, Iran. 2752323883@iau.ac.ir